



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یکی از آقایان نوشته اند در بحث صوفیه اخباری در مذمت و همچنین اخباری به نفع آنها داریم بنابراین بر اساس بحثی که در تعادل و ترجیح داریم باید بین این اخبار جمع کنیم تا ببینیم ماحصل چه می شود.

ما عرض کردیم بعضی از روایاتی که بر مذمت صوفیه دلالت دارند و خواهیم خواند سنداً صحیح می باشند اما آنها هیچ روایت صحیح و با سندی ندارند و در تعادل و ترجیح بحث بین دو دسته از اخبار است که از نظر سند دارای حجیت می باشند منتهی تعارضی بوجود آمده که ما بر اساس قواعد و قوانینی که داریم و از اخبار اهل بیت علیهم السلام گرفته ایم بین آنها جمع می کنیم بنابراین صوفیه خبر مسند و صحیحی بر له خودشان ندارند که با اخبار مسند و صحیحی که بر علیه آنها وجود دارد تعارض کنند تا بعد بخواهیم وارد بحث تعادل و ترجیح و جمع بین اخبار متعارض بشویم.

همان طور که عرض شد بنده دیدم بهترین راه برای شناخت صوفیه این است که کلمات خودشان را درباره خودشان مطالعه کنیم که وقتی این کار را می کنیم می بینیم که هیچوقت با اسلام سازگاری ندارد.

حالا یک خبری که بر علیه و در مذمت صوفیه است را به عنوان نمونه می خوانیم، گفتیم که شیخ حر عاملی رساله اثنا عشریه را تالیف کرده که تماماً در رد صوفیه می باشد در این کتاب از حدیقه الشیعه مقدس اردبیلی اخباری را نقل کرده که یکی از آنها این خبر است: «عنه (شیخ مفید) ایضا بسنده عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب قال: كنت مع الهادي علي بن محمد عليهما السلام في مسجد النبي صلى الله عليه وآله وسلم، فأثاء جماعة من أصحابه منهم أبو هاشم الجعفري رضي الله عنه و كان رجلاً بليغاً و كانت له منزلة عظيمة عنده عليه السلام، ثم دخل المسجد جماعة من الصوفية و جلسوا في جانب مستديراً و أخذوا بالتهليل فقال عليه السلام: لا تلتفتوا الى هؤلاء الخداعين فانهم حلفاء الشياطين و محترّبو قواعد الدين، يترهّدون لراحة الأجسام و يتهجدون لتصيد الأنعام،

يتجوعون عمراً حتى يدبّخوا للايكاف حُمراً، لا يهلّلون الا لغرور الناس و لا يقلّلون الغذاء الا لملا العساس و اختلاس قلب الدّنفاس، يتكلّمون الناس باملاّتهم في الحبّ و يطرحونهم بأدليلهم في الحبّ، أورادهم الرقص و التصديّة و أذكّارهم التّرّم و التغنيّة، فلا يتبعهم الا السفهاء و لا يعتقد بهم الا الحمقاء، فمن ذهب الى زيارة أحد منهم حيّاً أو ميتاً فكأنّما ذهب الى زيارة الشيطان و عبدة الأوثان و من أعان أحدا منهم فكأنّما أعان يزيد و معاوية و أبا سفيان، فقال له رجل من أصحابه عليه السلام: و إن كان معترفاً بحقوقكم؟ قال: فنظر إليه شبه المغضب و قال: دع ذا عنك، من اعترف بحقوقنا لم يذهب في عقوبنا، أما تدري أنّهم أحسن طوائف الصوفية و الصوفية كلّهم من مخالفينا و طريقتهم مغايرة لطريقتنا و إن هم الا نصارى و مجوس هذه الأمة أولئك الذي يجهدون في إطفاء نور الله و الله يتمّ نوره و لو كرّه الكافرون^۱.

امام هادی علیه السلام واقعا کلمات عجیبی دارند و پرده را کنار زده و باطن صوفیه را آشکار کرده اند.

این یکی از اخباری بود که سندش هم خوب بود خب حالا این اخبار را با کدام خبر باید جمع کنیم اصلاً ما از آن طرف حتی یک خبر مسند و صحیح بر له صوفیه نداریم که بگوئیم آنها بر حق هستند البته ملای رومی یک حدیثی در مثنوی نقل می کند که در آن گفته شده: "من أراد أن يجلس مع الله فليجلس مع أهل التصوف" اما صرفاً ادعاست و هیچ سندی ندارد بنابراین از آن طرف هیچ روایت صحیح و مسندی بر له و تایید صوفیه نداریم که بخواهد با روایات مسند و صحیحی که بر علیه و در مذمت صوفیه است تعارض کند تا بعد بخواهیم وارد بحث تعادل و ترجیح بشویم و به دنبال جمع بین روایات باشیم.

یکی دیگر از آقایان نوشته اند که شما فرمودید توقیعی از ناحیه امام زمان علیه السلام بر علیه منصور حلاج صادر شده در حالی که اینها دو نفر بوده اند! ما از مقدس اردبیلی نقل کردیم که در حدیقه الشیعه فرمودند وقتی ما به بزرگان صوفیه انتقاد می کنیم و انحرافاتشان را بیان می کنیم آنها می گویند مثلاً دو تا منصور حلاج داریم اینکه شما می گوئید بد است اما آنکه ما می گوئیم خوب است! نخیر منصور حلاج یک نفر بیشتر نیست و تمام کلمات مربوط به همان یک نفر است، و توقیعاتی

^۱ سفینه البحار، محدث قمی، ج ۵، ص ۱۹۹، حدیث ۶۸۲۱.

نیز از امام زمان علیه السلام بر علیه اینها من جمله منصور حلاج صادر شده و علتش این بود که وقتی امام عصر علیه السلام در غیبت صغری بودند خیلی ها به دروغ ادعای نیابت از حضرت را کردند و کم کم بالاتر رفتند و مدعی شدند خود امام هستند لذا در اکمال الدین صدوق و غیبت شیخ طوسی همه اینها ذکر شده علی آئی حال توقیعی که از ناحیه امام عصر علیه السلام بر علیه منصور حلاج صادر شده هم در کتاب رساله اثنا عشریه شیخ حر عاملی و هم در جلد ۵۱ بحار الأنوار نقل شده بعد ما گفتیم که مولوی که خودش یک سنی صوفی وحدت وجودی سرسخت است و قیحانه اینطور گفته:

چون قلم بر دست غداری فتاد

لاجرم منصور بر داری فتاد

از منصور طرفداری می کند و امام زمان علیه السلام را العیاذ بالله غدار معرفی می کند و قبلاً نیز گفتیم که در مورد قطبهای خودشان گفته:

آزمایش تا قیامت دائم است

پس به هر دوری ولی لازم است

پس امام حی مطلق آن ولی است

خواه از عمر خواه از علی است

ما ائمه را با اسامی و تعداد مشخص می شناسیم اما اینها می گویند قطبهای ما ولی ما هستند!، خب واما اینجا نوشته اند که منصور را امام عصر علیه السلام نکشته که شما می گوئید مولوی حضرت را غدار خوانده پس مولوی آنها را می گوید نه امام عصر علیه السلام را، ایشان تقریباً خواسته از مولوی پشتیبانی کند، ما در جواب می گوئیم اولاً بعضی جاها سبب اقوی از مباشر است درست است که امام زمان مباشرةً منصور را به دار نزد اما کلام حضرت در مذمت و لعن منصور به اندازه ای نافذ بود و طرفدار داشت که عده ای رفتند و او را به دار زدند پس مراد از غدار در کلام مولوی در واقع العیاذ بالله امام عصر علیه السلام می باشد.

مثنوی از لحاظ ذوق شعری و ادبیات و تمثیل بسیار قوی و عالی می باشد و اساساً شعرای بزرگ ما هرکدامشان از یک جهتی برجستگی دارند مثلاً فردوسی در ادبیات حماسی و

جنگ و رزم مهارت دارد و سعدی در نصیحت و موعظه که از آیات قران و کلمات اهل بیت علیهم السلام گرفته شده مهارت دارد و نظامی در بزم آرای مهارت دارد و مولوی نیز در تمثیل بسیار قوی می باشد و در ما نحن فیه نیز اینطور گفته که اگر حکم و قلم در دست افراد حسود باشد بزرگان را از بین می برند، در اشعرش اینطور گفته:

چونکه حکم اندر کف زندان بود

لاجرم ذاللون در زندان بود

و بعد اینطور گفته:

چون قلم در دست غداری بود

بی گمان منصور بر داری بود

چون سفیهان راست این کار و کیا

لازم آمد یقتلون الانبیا

انبیا را گفته قومی راه گم

از سفه انا تطیرنا بکم

جهل ترسا بین امان انگیخته

زان خداوندی که گشت آویخته

و بعد در ادامه اینطور گفته:

از حسد بر یوسف مصری چه رفت

این حسد اندر کمین گرگیست زفت

لاجرم زین گرگ یعقوب حلیم

داشت بر یوسف همیشه خوف و بیم

گرگ ظاهر گرد یوسف خود نگشت

این حسد در فعل از گرگان گذشت...

خب معلوم است که مرادش از غدار در این شعر امام زمان علیه السلام می باشد.

دیروز نیز عرض کردیم که با مطالعه کتب و آثار صوفیان از جمله تذکرة الاولیاء دیدیم که احادیث اهل بیت علیهم السلام را دزدیده و بنام خودشان زده و بیان کرده اند که این مطلب نیاز به تحقیق و تفحص دارد که إن شاء الله آقایان مراجعه و تحقیق و مطالعه بفرمایند.

بقیه بحث بماند برای روز شنبه إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی
محمد و آله الطاهرین